
اکهارت تُلی

مُلکی دیگر، مَلکوتی دیگر

برای چه به دنیا آمده‌ایم؟

ترجمه سیامک عاقلی

چاپ سوم

ترجمه بازنگریسته جدید



فهرست مطالب

- پیش‌گفتار مترجم بر چاپ سوم ۱۳
- پیش‌گفتار مترجم ۱۵
- مقدمه مترجم ۱۹

بخش اول

شکوفایی آگاهی انسانی ۳۹

- بازنمود گذشته ۴۱
- هدف از نگارش این کتاب ۴۴
- ناکارایی موروثی ذهن ما ۴۷
- آگاهی جدید در حال ظهور ۵۱
- معنویت و اعتقادات ۵۴
- ضرورت تحول ۵۶
- ملکی دیگر و ملکوتی دیگر ۵۹

بخش دوم

نفس: وضع کنونی بشریت ۶۱

- خود موهوم ۶۵

۶۸	صدای داخل سر
۷۱	محتوا و ساختار نفس
۷۲	یکی‌انگاری با چیزها
۷۵	انگشتر گمشده
۷۸	توهم مالکیت
۸۱	خواستن: نیاز به بیشتر داشتن
۸۴	یکی‌انگاری با بدن
۸۶	احساس بدنِ درونی
۸۸	از یاد بردن هستی
۸۹	از خطای دکارت تا بصیرت سارتر
۹۰	آرامشی که ورای همه فهم‌هاست

بخش سوم

بنیاد نفس ۹۳

۹۶	شکوه و بیزاری
۱۰۰	واکنش و شکوه‌ورزی
۱۰۱	صاحب حق بودن و فاقد حق کردن
۱۰۲	در دفاع از توهم
۱۰۴	حقیقت: نسبی یا مطلق؟
۱۰۷	نفس امری شخصی نیست
۱۰۹	جنگ، ثابت ذهنی
۱۱۱	آیا خواستار صلحیم یا نزاع و کشمکش؟
۱۱۲	فراسوی نفس: هویت حقیقی ما
۱۱۴	همه ساختارها ناپایدارند

۱۱۵	نیاز نفس به احساس برتری
۱۱۶	نفس و شهرت

بخش چهارم

نقش‌بازی: چهره‌های گوناگونِ نفس ۱۱۹

۱۲۲	شریر، قربانی، عاشق
۱۲۴	دست برداشتن از تعریف و توصیف‌های از خود
۱۲۶	نقش‌های از پیش تعیین شده
۱۲۸	نقش‌های موقتی
۱۲۹	راهب و دستان عرق کرده‌اش
۱۳۰	نقش خوشنودی در برابر خودِ خوشنودی
۱۳۱	ولی بودن: وظیفه یا نقش؟
۱۳۵	رنج بردنِ آگاهانه
۱۳۷	پدر و مادری کردنِ آگاهانه
۱۳۸	شناسایی فرزندان
۱۴۰	خودداری از نقش‌بازی
۱۴۳	نفس بیمارگونه
۱۴۵	ناخوشنودی نامشخص (پس‌زمینه‌ای)
۱۴۷	راز خوشنودی
۱۵۰	صورت‌های بیمارگونه نفس
۱۵۳	کار با نفس و کار بی‌نفس
۱۵۵	نفس در هنگام بیماری
۱۵۶	نفسِ جمعی
۱۵۸	دلیل بی‌چون‌چرای جاودانگی

بخش پنجم

کهن درد ۱۶۱

- ولادت احساس ۱۶۵
- احساسات و نفس ۱۶۷
- اردکی با ذهن انسان ۱۷۰
- به دوش کشیدن گذشته ۱۷۱
- فرد و جمع ۱۷۳
- کهن درد چگونه تجدید قوا می کند ۱۷۶
- نحوه تغذیه کهن درد از فکرهايمان ۱۷۷
- نحوه تغذیه کهن درد از ماجرا ۱۷۹
- کهن دردهای متراکم ۱۸۲
- سرگرمی، رسانه و کهن درد ۱۸۳
- کهن درد جمعی زنانه ۱۸۵
- کهن درد ملی و نژادی ۱۸۷

بخش ششم

رهایی ۱۹۱

- حضور ۱۹۵
- بازگشت کهن درد ۱۹۸
- کهن درد در کودکان ۱۹۹
- ناخوشنودی ۲۰۳
- شکستن یکی انگاری خود با کهن درد ۲۰۴
- فعال کنندگان ۲۰۷
- کهن درد، عامل بیداری ۲۱۰

۲۱۲ رهایی از کهن درد

بخش هفتم

یافتن کیستی واقعی خود ۲۱۵

- ۲۱۸ تصویری که از کیستی خود داریم
- ۲۲۱ برخورداری و غنا
- ۲۲۳ شناخت خود و دانستن درباره خود
- ۲۲۴ نظم متعالی و بی نظمی
- ۲۲۶ خوب و بد
- ۲۲۸ اهمیت ندادن
- ۲۲۹ جدی؟
- ۲۳۰ نفس و لحظه حال
- ۲۳۳ پارادوکس زمان
- ۲۳۵ حذف زمان
- ۲۳۷ رؤیابین و رؤیا
- ۲۳۹ گذر از محدودیت
- ۲۴۱ شغف هستی
- ۲۴۲ به نفس فرصت کوچک شدن دادن
- ۲۴۴ بیرون چنان است که درون

بخش هشتم

کشف فضای درونی ۲۴۹

- ۲۵۴ آگاهی شیئی و آگاهی فضایی
- ۲۵۶ ماقبل و مابعد فکر

تلویزیون ۲۵۶

درک فضای درونی ۲۶۰

آیا صدای جویبار کوهستان را می‌توانی بشنوی؟ ۲۶۳

عمل درست (فضیلت) ۲۶۴

ادراک بی‌واسطه نام ۲۶۵

تجربه‌گر کیست ۲۶۷

تنفس ۲۶۹

انواع اعتیاد ۲۷۱

وقوف بر بدن درونی ۲۷۳

فضای درونی و بیرونی ۲۷۴

توجه به وقفه‌ها ۲۷۷

خود را ناپدید سازیم تا پدیدار شویم ۲۷۸

بخش نهم

هدف درونی ما ۲۸۱

بیداری ۲۸۴

گفت‌وگویی درباره هدف درونی ۲۸۷

بخش دهم

ملکی دیگر ۳۰۳

تاریخچه مختصر زندگی ما ۳۰۷

بیداری و حرکت بازگشتی ۳۰۹

بیداری و حرکت برون‌رفتی ۳۱۲

آگاهی ۳۱۴

عمل آگاهانه ۳۱۶

سه حالت عمل آگاهانه ۳۱۸

پذیرش ۳۱۸

شعف ۳۱۹

شور ۳۲۳

حافظان بسامد ۳۲۷

ملکی دیگر آرمانشهر نیست ۳۲۸

یادداشت‌ها ۳۳۱

پیش‌گفتار مترجم

کتاب حاضر که با استقبال کم‌نظیر جهانی روبه‌رو شده است و نشریه نیویورک‌تایمز آن را پرفروش‌ترین کتاب سال معرفی کرده است، حادثه‌ای در عالم نشر کتاب شناخته می‌شود، چندان که در شمار کتاب‌های کلاسیک جای گرفته است.

تلی، نویسنده دیده‌ور این کتاب که در ۲۹ سالگی دستخوش انقلاب درونی و دگرگونی حال شده و به نگاه و واقعیت دیگری رسیده است، در این کتاب سعی می‌کند ما را در موقعیتی قرار دهد که چشمان ما نیز به حقیقت خود و هستی گشوده شود و از مدار رنجباری که به تعبیر عرفای مسلمان، نفس نامیده می‌شود رهایمان سازد و حیات و عمل غیرنفسانی یا عاشقانه را به ما نشان دهد.

برای این منظور نویسنده در این کتاب ابتدا ذهن کژمدار ما را زیر ذره‌بین توضیح و توصیف قرار می‌دهد و سپس به نحوی عملی ما را به ذهن نامشروط حقیقت‌بین هدایت می‌کند و سعی می‌کند کیستی واقعی ما را که به کلی غافل از آن هستیم، به ما باز نماید؛ کیستی که بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تر از چیزی است که هم‌اکنون به حساب کیستی خود می‌گذاریم، یعنی هویتی که از خود در حوزه فکر ساخته‌ایم.

لازم به یادآوری است نویسنده این اثر نه در مقام دفاع از عقیده‌ای خاص است و نه در مقام رد اعتقاد و ایدئولوژی معینی. بلکه تمام کوشش خود را با

بیانی مؤثر صرف آن کرده تا ما را از یک خطای ذهنی که به دلیل همه‌گیر بودن آن به کلی از نظر غافل مانده باخبر سازد؛ و همین خطای ذهنی است که از دل آن رنج و اندوه و ناخوشنودی پدید می‌آید. در ضمن این خطای فکری، خاصه در فرهنگ معنوی و پربار سرزمین ما، از سوی بسیاری از بزرگان معرفت مورد اشاره قرار گرفته است. لذا درک مطالب این کتاب برای پارسی‌زبانان با پیشینه غنی معنوی که انعکاسی گسترده در زبان و ادب پارسی داشته، آسان‌تر است.

هنگام ترجمه این کتاب، موقعی که پاره‌ای از دوستان از من می‌پرسیدند که موضوع کتاب چیست، دست آخر پاسخی که برای این سؤال پیدا کردم عبارت بود از این‌که: «فرض کنید اگر قرار بود بزرگی از بزرگان عرصه عرفان و معرفت ما چونان مولوی در این عصر ظهور کند و با مردم این عصر سخن بگوید، نتیجه چگونه خود را نشان می‌داد؟»

نتیجه کمابیش همین کتابی می‌شد که هم‌اکنون در دست دارید، با این تفاوت که مطالب کتاب با توجه به پیشرفت‌هایی که تمدن بشری در عرصه‌های گوناگون داشته از وضوح، کارآیی و فهم‌پذیری بیشتری برخوردار است.

برای مترجم این اثر با شناختی که از آثار معنوی مهم دارد این نتیجه به‌دست می‌آید که صاحبان این آثار حرف و پیام واحدی دارند و خوشا به اقبال کسانی که بر خوان معرفت این بزرگان می‌نشینند.

روان‌شناسی جدید روزبه‌روز به سمت روان‌شناسی شناختی کشیده می‌شود. از دیدگاه روان‌شناسی شناختی حال و رفتار نادرست و بیمارگونه در تحلیل آخر به فکر غلطی برمی‌گردد که فرد آن فکر غلط را صادق پنداشته و آن را مبنای کنش و واکنش خود در زندگی قرار داده است. اکهارت تلی مثل سایر بزرگان معرفت، از خورده فکرهای غلط صرف نظر کرده و انگشت توجه را بر آن خطای بزرگی که مادر همه خطاهای ریز و درشت دیگر است می‌گذارد و

می‌خواهد خواننده خود را از زندان ذهن - ساخت خود از طریق آگاهی بی‌هیچ تلاش و کوششی از سوی رهرو نجات دهد.

لذا هر نوع موضع‌گیری در قبال مطالب این کتاب، حکایت از عدم درک درست مطالب آن می‌کند. از آنجایی که در مثل مناقشه نیست، موضع‌گیری در قبال این کتاب مثل موضع‌گیری در قبال این نکته است که بگوییم در آسمان این ابر است که حرکت می‌کند و نه ماه؛ هر چند بر اثر خطای باصره ما ابرها را ثابت می‌بینیم و ماه را در حال حرکت تشخیص می‌دهیم.

لازم به ذکر است این کتاب اثر فردی غیرمسلمان است و مطابقت کامل با تعالیم دین اسلام ندارد و ممکن است جای جای با آموزه‌های دین خاتم اسلام منافات داشته باشد. بعضی دیدگاه‌های نویسنده ملهم از عرفان‌های شرقی مثل هندوئیسم، بودیسم، تائوئیسم و تلفیق آنها با یهودیت و مسیحیت است و در بسیاری از موارد با آموزه‌های وحیانی دین مبین اسلام مغایرت دارد.

در خاتمه یادآور می‌شوم در برخی مناسبت‌ها مترجم پانوشتهایی به متن کتاب افزوده است که آنها را با «- م.» به معنی مترجم مشخص کرده است. در این جا وظیفه خود می‌دانم از خانم طاهره زهدی بابت دقت، صبوری، حسن خلق و وظیفه‌شناسی‌اش تشکر کنم. او کار سنگین غلط‌گیری و حروفچینی این کتاب را به نحو احسن به انجام رساند. و نیز برای سرکار خانم فریبا محمدپور که به نحو حرفه‌ای صفحه‌آرایی و غلط‌گیری چندین باره کتاب را با نهایت دقت و صبوری به سرانجام رساند، آرزوی سلامت و سعادت می‌کنم.

سیامک عاقلی

۱۸ شهریور ماه ۱۳۸۷